

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۱۰/۰۹/۰۲

انتظار مباحث! دفتر تاریخ باز کن مادر!

مادر منشین به دروازه خانه

تو امشب

که انگشت به در خانه

دقالباب نمی کند

به هر دیار که باشی به

جستجوی من

مباحث

مرا برد دشمنانی

که وطن

به نام وطن دوستی می دهد

بر باد

مادر مادر مادر

به جرم موج دریای وطن پرستی

پا

به زنجیر مرا

ناجوانمردانه بستند

مادر مادر مادر

خود را در

موج دریای وطن پرستی میبینم

که این جرم قابل بخشش نیست

در قانون وطن فروشان قرن بیست

مادر مادر مادر

مستنطق مغرور من
که در لاف
وطن خواهی در
جاغور حباب مست از
ودکای روسی است
و در جبین مزدوری اش
لعنت رستا خیز تاریخ دیده می شود
لاف وطن فروشی اش
زنجیر برپای وطن پرستان است
مادر مادر مادر
این مرد
قلنج های مرا می گیرد
ضربه سم خر
کمتر از
شکنجه نزع
نیست
مادر مادر مادر
او گفت
مگر تو
خواب در
موج در یای وطن پرستی دیدی
مادر مادر مادر
گفتم باخود که
مرد زرنگی است
فال موج وطن پرستی را
در جبینم دیده
ناگزیر شدم
مادر مادر مادر
که لب نی شکر بند خود را
با تلخی موج ایام باز کنم
گفتم کسی که
بغض به انسان و انسانیت و
وطن دارد
ندارد از کف لعنت تاریخ

خلاصی

و بساط آئینه شان

جلوه گاه تاریخ زرین نیست

و همه می داند که

آتش کمینگه شان شعله ور به

گوگرد

روسی و امریکائی است

برملت مظلوم

و فریاد ناله

عشاق وطن پرست که به

گرد خاک ره وطن

مشتاق است

"هستی" هم در قطار شان

سر سپرده است

فنای هستی من حباب موج دریانیست

مادر مادر مادر

با حرفهای من

حوصله اش گرفت

طاقت اش طاق شد

و روی گشتاند از

خدای رزاق

شلاق بر تنم حواله کرد

از صدای شلاق زندنش

خوشش می آمد

ساز خنده حباب و ارمی کرد

من چو برق لاله به سوی مرگ می رفتم

ناتوانی بدنم

آهسته آهسته عنان نفس از

کف می داد

هوش

ز سرم رفت

دیگر

زندگیم نفس موج خود را

از دست می داد

به این نتیجه رسید
که من باگرد حقارت روی
مخالف هستم
مادر مادر مادر
باشلاق های
بیرحم خود
گرد حقارت را از
رویم دورکرد
نامرده نفس در
جان بسملم
سرود مرگ میخواند
مادر مادر مادر
مرا
زنده به
گورکردند
مادر مادر مادر
کالا دیگر
بردر
زندانی نیارید
نامم نگیرید
ازکس میرسیدکه
پرسیدن من
سود نداد
شاید که
کشند
پای ترا هم به
زنجیر
مادر مادر مادر
یک نام
بمانده اثر از
من
به تاریخ
مادر مادر مادر
اگرخواستی

ببینی

رخ من را

گرخواهی ویایی

اثر پای من را

مادر مادر مادر

عینک بپوش و

ببین صفحه

تاریخ

هرجا خط زرین

تویایی

آنجا

اثر

پای من باشد

نه جسد من

ناگفته نماند که در آن

دفتر تاریخ

راستین

غیر از رنگ زرین

رنگ سیاه بینی و

با خط درشت

آن را هم

مادر جانان

اشک آلود

مهین

با سیاهی نوشت

که هم مادر تو

هم مادر من است

با اشک

بیزاری و

ناله

گفته که

این ناخلفان

فرزندمن

نیست

قاتل فرزندان
نکو خصلت من است
چادر مرا با
پول ناچیز
فروخته
به دشمن
هم لچ نموده تن من
تا که
دشمن ببیند
ناگزیر گشتم و
به زشتی به
تاریخ نوشتم
که فرزندان
من نیست
نشت زده
هر توتی ای جگر من
خاین به وطن بوده و
نام اش بُود
چپ و راستی
این نام
نگذاشتم
گذاشته کس دیگر
مادر مادر مادر
دیگر مرو پیش ملا
فال نبین آمدن من
طومار سرشانه
بساز این
سخن من
اسرار از این
بهتر از
اسرار ملا است
حاجت نه
به فال است
هر چه که عیان است نه

حاجت به بیان است
این ملت ما هنوز در
دهن سگان است
نه حاجت به بیان است
مادر مادر مادر
تالین جهان است
این قصه مرگم
به همه

ورد زبان است
پیش صادق وطن
این خامه من پخته و
پیش خاین وطن
خام است
دل خور
مشو در
وطن ما
این

رسم مدام است
پیش کسی پخته و پیش کسی خام است
این رسم نه امروز واز قدیم ایام است
مادر مادر مادر
دیگر مخور غم
که پای دشمن در
سر نوکک ناوه بام است
نه نشئه و دکا
نه چشم خمار است
پایش به فرار
فردا سردار است

نوت :

مقصد مادر وطن از چپ و راست، فرزندان صادق به وطن نبوده بلکه مقصد از خاین به وطن ونشتر زن از چپ و راست عبارت از قماش بدنامان تاریخ زده است.
(شاه پرستان ، داوود پرستان ، حزب دموکراتیک خلق ، مجاهد ، طالب و حکومت مستعمره کرزی)